خبر

درگیری‌های شدید میان معترضان فلسطینی و نیروهای اسرائیلی

● ایست بازرسی قلندیا در رام‌الله و نیز بیت‌لحم، روز گذشته شاهد درگیری‌های مجدد میان هزاران جوان فلسطینی و سربازان ارتش اسرائیل در پی تصمیم اخیر واشنگتن درباره بیت‌المقدس بود. به گزارش ایسنا، به نقل از شبکه خبری اسکای‌نیوز عربی، پس از نماز جمعه در قدس، هزاران جوان فلسطینی با استقبال از فراخوان رهبران فلسطینی برای تظاهرات دوباره در محکومیت تصمیم اخیر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، درباره قدس، در مناطق مختلف ازجمله ایست بازرسی قلندیا در رام‌الله و نیز نزدیکی بیت‌لحم دست به راهپیمایی و تظاهرات اعتراضی زدند. در مقابل، نیروهای ارتش اسرائیل با استفاده از گاز اشک‌آور و گلوله‌های پلاستیکی، سعی کردند این تظاهرات را سرکوب کنند. شبکه خبری اسکای‌نیوز گزارش داد در جریان درگیری‌های امروز در شمال شهر البیره، یک فلسطینی که قصد حمله با سلاح سرد به یک سرباز اسرائیلی را داشت، به ضرب گلوله آنها کشته شد. شبکه خبری الجزیره نیز گزارش داد ده‌ها فلسطینی در پی استنشاق گاز اشک‌آور در جریان درگیری با سربازان اسرائیلی در نزدیکی ایست قلندیا، دچار مشکلات تنفسی شدند. در غزه نیز نمازگزاران فلسطینی تظاهرات گسترده‌ای را در مساجد در اعتراض به تصمیم ترامپ برگزار کردند.

شکست دور هشتم مذاکرات ژنو

● استفان دی‌میستورا، فرستاده ویژه سازمان ملل، دمشق را متهم کرد «فرصت طلایی» گفت‌وگوی رودررو با اپوزیسیون را رد کرده و موجب توقف مذاکرات ژنو شده است. به گزارش خبرگزاری فرانسه، استفان دی‌میستورا، نماینده سازمان ملل در امور سوریه، در برابر خبرنگاران گفت: «من مأیوس هستم... این یک فرصت طلایی بود». با وجود آنکه اپوزیسیون برای اولین‌بار در ژنو یکپارچه بود، نماینده سازمان ملل که معمولا خوش‌بین است، می‌گوید: «ما مذاکرات واقعی نداشتیم». در هشتمین دور مذاکرات ژنو، بحث بر سر پیش‌نویس قانون اساسی و برگزاری انتخابات متمرکز بود و استفان دی‌میستورا اعلام کرد پس از مذاکره با آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل، در چند روز آینده و شورای امنیت در هفته دیگر در نیویورک، قصد دارد دور بعدی مذاکرات را در ماه ژانویه برگزار کند.

چه کشورهایی در تأمین سلاح‌ها و تجهیزات داعش دست داشته‌اند

از چین تا عربستان و ایالات متحده

روز یکشنبه بود که دولت عراق پس از بازپس‌گیری شهر راوه، رسما پایان جنگ علیه داعش را اعلام کرد. سوریه نیز اندکی قبل از آن و پس از شش سال، از شر داعشی‌ها خلاص شده بود. از دیگر سو، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، نیز در سفر یک‌روزه خود به سوریه اعلام کرد وقت آن رسیده که نیروهای نظامی این کشور به میهنشان بازگردند. البته پایان کار خلافت خودخوانده داعش در عراق و سوریه هرچند ضربه سنگینی به این گروه در منطقه وارد کرده است اما بدون تردید به معنای پایان تفکر داعشی نخواهد بود.

نخست اینکه ریشه‌های فکری داعش که از وهابی‌گری ریشه می‌گیرد، هنوز در برخی کشورها ترویج می‌شوند و گذشته از آن، بسیاری از عوامل و تروریست‌های داعشی با سقوط خلافت خودخوانده‌شان، به مخفیگاه‌ها و نقاط دورافتاده در صحرا گریخته‌اند و مترصد فرصتی هستند تا دوباره بیرق سیاه خود را برافرازند. بنابراین بازخوانی چگونگی قدرت‌گیری و تجهیز داعش می‌تواند درس‌های مهمی برای تجارب مشابه در آینده داشته باشد. در واقع، هرچند داعش از خلأ قدرتی که به واسطه جنگ داخلی در سوریه ایجاد شده بود، بهره گرفت، با این حال نباید فراموش کرد که برخی اهمال‌کاری‌ها و سیاست‌های غلط در حمایت از مخالفان مسلح در سوریه به منظور پیشبرد اغراض و اهداف سیاسی، در عمل آب به آسیاب داعش ریخت. این مسئله‌ای است که گزارش اخیر مؤسسه «پژوهش تسلیحات جنگی» که از حمایت اتحادیه اروپا برخوردار است، درخصوص منبع و منشأ سلاح‌های داعش بر آن مهر تأیید می‌زند.

طبق ادعای این مؤسسه، سلاح‌هایی که از سوی ایالات متحده و عربستان در اختیار گروه‌های مسلح اپوزیسیون در سوریه قرار گرفته بود، اکثرا به دست جنگجویان داعش افتادند؛ مسئله‌ای که تأثیر زیادی در تقویت توان نظامی داعش هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی داشته است. این دقیقا همان مسئله‌ای است که این گزارش جدید بر آن صحه می‌گذارد. در گزارش «پژوهش تسلیحات جنگی» که به تازگی منتشره شده، همچنین این‌طور آمده است که شمار سلاح‌هایی که داعش در اختیار داشته، به مراتب بیشتر از آن است که از طریق غنایم جنگی به دست آمده باشد. این گزارش بر اساس یک تحقیق میدانی سه‌ساله در سوریه و عراق تدوین شده است تا شاید بتواند نوری بر چگونگی قدرت‌گیری سریع داعش در منطقه بتاباند. برای نگارش و تدوین این گزارش، بیش از چهار هزار قطعه تسلیحات اعم از سلاح، مهمات و برخی موادی که در ساخت بمب کاربرد دارند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

عکس: Reuters

ساخت اروپا

طبق این گزارش، بخش زیادی از این سلاح‌ها از ارتش‌های سوریه و عراق به دست داعشی‌ها افتاده است. با این حال، بخشی از این سلاح‌ها نیز توسط کشورهای درگیر در جنگ سوریه در اختیار گروه‌های اپوزیسیونی که علیه بشار اسد می‌جنگیدند، افتاده است. در این گزارش آمده است که خلاف ائتلاف‌های مختلف بین‌المللی ضدداعش، بخش زیادی از سلاح‌هایی که در اختیار نیروهای داعش در عراق و سوریه بوده، توسط کشورهایی مانند ایالات متحده و عربستان سعودی تأمین شده است. تمامی این چهار هزار قطعه تسلیحات نظامی که در این تحقیق مورد ارزیابی قرار گرفتند، در کشورهای عضو اتحادیه اروپا ساخته شده بودند که از مجاری ایالات متحده و عربستان و خلاف منع انتقال این سلاح‌ها به گروه‌های مسلح، در اختیار اپوزیسیون سوریه قرار گرفتند.

بنا بر اطلاعات گردآوری‌شده توسط این مؤسسه پژوهشی، ایالات متحده مکررا سلاح‌ها و مهمات ساخت کشورهای اروپایی را در اختیار نیروهای اپوزیسیون در جریان جنگ داخلی سوریه قرار داده است که در ادامه بخش زیادی از این تسلیحات نظامی به تصرف داعش درآمد. حدود ۹۰ درصد از سلاح‌ها و مهمات به کار گرفته‌شده توسط گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه، متعلق به کشورهای چین، روسیه و اروپای شرقی بوده که در این میان، شمار سلاح‌های ساخت روسیه گوی سبقت را از دیگر کشورها ربوده است. طبق اعلام این گروه پژوهشی، سلاح‌های ساخت غرب ۱۰ درصد باقی‌مانده را تشکیل می‌دهند.

ترکیه؛ گذرگاه سلاح داعش

در واقع گزارش فوق‌الذکر این گمانه‌زنی‌های اولیه را تأیید می‌کند که داعش بخش زیادی از تجهیزات نظامی خود را از غنایم جنگی به‌دست‌آمده از نیروهای دولتی سوریه به دست آورد. به عبارت دقیق‌تر، در مراحل ابتدایی جنگ در سوریه، بخش زیادی از تجهیزات نظامی داعش غنایمی بود که از جنگ میدانی با نیروهای دولتی سوری و عراقی به دست می‌آمد. اما از پایان سال ۲۰۱۵ میلادی، داعش به یک منبع تسلیحاتی مهم و بزرگ دیگر نیز دسترسی داشته است. این گروه در همان زمان موفق به کشف جعبه‌های مهماتی شد که ساخت کارخانه‌هایی در اروپای شرقی بودند. در ادامه پیگیری‌های این مؤسسه تحقیقاتی مشخص کرد که این مهمات به صورت قانونی به کشورهای ایالات متحده و عربستان سعودی فروخته شده و در ادامه از طریق ترکیه به سوریه وارد شدند. در واقع مقصد این محموله‌های تسلیحاتی، شمال سوریه بود که گروه‌های اپوزیسیون تحت حمایت آمریکا و عربستان در آنجا با بشار اسد می‌جنگیدند. از دیگر سو، بنا به گزارش «تلگراف»، شماری از سلاح‌هایی که در سوریه، عراق و دیگر مناطق فعالیت داعش از جمله لیبی، یمن و سودان جنوبی یافت شده‌اند، از مسیر دو کشور ترکیه و اردن انتقال یافته‌اند که از نقش ترکیه در تجهیز داعش نشان دارد. البته سرعتی نیز که این محموله‌ها به دست داعش می‌رسیده، در نوع خود شایان توجه است؛ در برخی موارد، دو ماه بعد از ترک کارخانه این محموله به دست نیروهای داعش می‌رسیده است. درآمد داعش از فروش نفت باعث می‌شد این گروه توانایی خرید مستقیم تجهیزات نظامی در بازار سیاه را داشته باشد.

در وقع این گزارش بر این مسئله مهر تأیید می‌زند که چگونه سلاح‌هایی که در جنگ‌های داخلی در اختیار گروه‌های مسلح قرار می‌گیرند می‌توانند ضد اهداف اولیه‌شان به کار گرفته شوند. جالب اینکه طبق گزارش یک سال پیش این گروه پژوهشی، داعش موفق به تولید سلاح‌های نظامی در سطح استاندارد شده بود. این گروه تحقیقاتی پیش‌تر نیز در سال ۲۰۱۶ میلادی، موفق به کشف بسته‌های مواد شیمیایی در شهر قراقوش در سوریه شده بود. بنا بر گفته این گروه، مقادیر زیادی از این مواد شیمیایی که صرفا در بازارهای داخلی ترکیه فروخته و معامله می‌شود به دست داعش افتاده بود. در واقع، بخش زیادی از بمب‌های دستی داعش توسط همین مواد شیمیایی ساخته می‌شدند. احتمالا شبیه‌ترین نمونه تاریخی این وضعیت را باید حمایت آمریکا و دیگر کشورها از مجاهدین در دهه ۸۰ میلادی دانست که در افغانستان علیه اتحاد جماهیر شوروی می‌جنگیدند. در همان زمان نیز سلاح‌هایی که با تأیید سازمان سیا برای گروه‌های خاصی ارسال می‌شدند، در ادامه از طریق مجاری سرویس اطلاعات پاکستان از دست گروه‌های افراطی‌تری مانند القاعده سر درمی‌آوردند. البته وضعیت در سوریه و عراق به علت وسعت جغرافیایی و بیشترشدن شمار کشورهای درگیر اندکی از افغانستان پیچیده‌تر است.

گزارش کمیته حمایت از روزنامه‌نگاران از افزایش بازداشت‌ها در جهان

ترکیه همچنان رکورددار

کمیته حمایت از روزنامه‌نگاران، در گزارش سالانه خود، برای دومین سال پیاپی، ترکیه را بزرگ‌ترین زندان روزنامه‌نگاران اعلام کرده است. به گزارش بی‌بی‌سی، کمیته حمایت از روزنامه‌نگاران که نهادی غیرانتفاعی در آمریکاست، هر سال گزارشی از وضعیت خبرنگاران در جهان منتشر می‌کند. این مؤسسه، تعداد کل خبرنگاران زندانی در جهان را ۲۶۲ نفر اعلام کرده است که نیمی از آنها در سه کشور ترکیه، چین و مصر زندانی هستند.

به گفته مدیران، دلیل اختلاف آمار آنان با مؤسسات دیگر، تعریف روزنامه‌نگار است؛ از نظر این مؤسسه، روزنامه‌نگار کسانی را شامل می‌شود که خبرها را پوشش می‌دهند یا درمورد مسائل عمومی جامعه نظر می‌دهند و حاصل کارشان در مطبوعات، سیاست‌های خبری، رادیو و تلویزیون، به صورت متن یا عکس منتشر می‌شود. به‌این‌ترتیب، فعالان اجتماعی و کسانی که در شبکه‌های اجتماعی فعال هستند یا وبلاگ شخصی دارند در این آمارها نیامده‌اند. کمیته حمایت از روزنامه‌نگاران در گزارشی با اشاره به رکورد مجدد جهان در زمینه آمار روزنامه‌نگاران بازداشت‌شده، اعلام کرد ترکیه، چین و مصر در رأس کشورهایی هستند که خبرنگاران را بازداشت می‌کنند. همچنین بحرین نیز جزء ۱۰ کشور اول جهان از نظر تعداد روزنامه‌نگاران بازداشتی در سال ۲۰۱۷ است و روسیه در جایگاه نهم جای دارد.

از میان تعداد ۲۶۲ روزنامه‌نگار، ۲۲ نفر از آنها یعنی هشت درصد از کل جمعیت روزنامه‌نگاران زندانی، زن هستند. همچنین بر اساس این گزارش، ۸۷ درصد از روزنامه‌نگاران زندانی در حوزه سیاسی فعالیت می‌کرده‌اند. همچنین ۱۹۴ نفر از روزنامه‌نگاران زندانی (۷۴ درصد از روزنامه‌نگاران زندانی) به اتهام اقدام ضد امنیت کشور در زندان هستند و ۳۵ نفر از آنها بدون مطرح‌شدن مشخص اتهاماتشان دستگیر و بازداشت شده‌اند.

جویل سیمون، مدیر اجرائی این کمیته، گفت: خجالت‌آور است که تعداد خبرنگاران بازداشت‌شده در جهان برای دومین سال پیاپی رکورد بزنند. کشورهایی که روزنامه‌نگاران را به‌خاطر انتشار حقایق بازداشت می‌کنند، درواقع قوانین بین‌المللی را زیر پا می‌گذارند و باید مورد محاکمه قرار گیرند. طبق گزارش این کمیته، خبرنگاران بازداشت‌شده بیشتر به مخالفت با حکومت متهم هستند و کشورها با درپیش‌گرفتن قوانینی آشفته و دارای ساختارهایی مبهم برای مبارزه با تروریسم، روزنامه‌نگاران منتقد را ترسانده و آنها را به سکوت سوق می‌دهند.

کمیته حمایت از روزنامه‌نگاران در سال جاری تعداد روزنامه‌نگاران زندانی ترکیه را ۷۳ نفر اعلام کرده است. کمیته حمایت از روزنامه‌نگاران می‌گوید همه روزنامه‌نگارانی که زندانی هستند، با اتهامات اقدام علیه دولت مواجهند. سرکوب روزنامه‌نگاران در ترکیه، از حدود دو سال پیش آغاز شد و بعد از کودتای ناموفق، شدت گرفت. کمیته حمایت از روزنامه‌نگاران همچنین در گزارش امسال خود می‌گوید سخنان دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، علیه رسانه‌ها و اینکه او در سخنانش بعضی رسانه‌ها و خبرنگاران را به دروغ‌گویی و انتشار خبرهای کذب متهم می‌کند، به روند آزادی مطبوعات در جهان صدمه زده و دست کشورهای سرکوبگر را بازتر کرده است.

گفت‌وگوی تلفنی پوتین و ترامپ درباره شبه‌جزیره کره

کاخ سفید اعلام کرد که ولادیمیر پوتین و دونالد ترامپ در یک تماس تلفنی درباره برنامه هسته‌ای کره‌شمالی با هم گفت‌وگو کردند؛ این تماس از سوی واشنگتن انجام شد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، کاخ سفید در بیانیه‌ای گفت که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، این تماس تلفنی را گرفته تا از ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، «برای به‌رسمیت‌شناختن عملکرد اقتصادی قوی آمریکا در کنفرانس مطبوعاتی سالانه خود» تشکر کند. در این بیانیه آمده که «دو رئیس‌جمهور همچنین درباره فعالیت مشترک به‌منظور حل وضعیت خطرناک در کره‌شمالی صحبت کردند». پوتین چندساعت پیش از آن، در جریان کنفرانس مطبوعاتی سالانه خود از «آگاهی» ایالات متحده در مورد بحران شبه‌جزیره کره استقبال کرد. رئیس‌جمهوری روسیه همچنین خواستار رفتار «محتاطانه» در مدیریت این بحران و هم‌زمان یادآور شد که مسکو «کره‌شمالی را به‌عنوان یک قدرت هسته‌ای به رسمیت نمی‌شناسد». روسیه مانند چین از گفت‌وگو با کره‌شمالی بر اساس نقشه راهی که از سوی دو قدرت تعیین شده حمایت می‌کند.

ادامه از صفحه اول

بازی در زمین حریف

در آمریکا نیز شبانه‌روز به رئیس‌جمهور حمله می‌کنند، اما آیا او هرروز می‌نشیند جواب مطبوعات را می‌دهد یا در مجلس و نیز در کنفرانس‌های مطبوعاتی چنین می‌کند؟ اینجا برخی سوراخ دعا را گم می‌کنند. راهبرد اصلی را مگر رئیس‌جمهور تعیین می‌کند؟ وقتی چند نفر با سازماندهی و حمایت‌های ویژه، سفارت عربستان را اشغال کردند و دور جدید بحران را در ایران و خاورمیانه رقم زدند و خسارت‌های جبران‌ناپذیری وارد کردند، وقتی یک رسانه خاص و یک گروه خاص، وزارت خارجه کشور را بلاموضوع می‌کنند و سیاست‌های پرهزینه منطقه‌ای را رقم می‌زنند و کسی نمی‌تواند وارد جزئیات شود، این اقدامات، هزینه ریسک را بالا می‌برد، مانع جذب سرمایه می‌شود و سرمایه‌های موجود را هم یا فراری می‌دهد یا به‌جای توسعه در زمینه‌های دیگری مستهلک می‌کند و... . اما در شبکه‌های اجتماعی و مطبوعات، چون بیم دارند گریبان عواملش را بگیرند، کار بی‌خطرتری انجام می‌دهند و مردم گریبان «دولت» را می‌گیرند تا وجدان خود را آسوده کنند که ساکت ننشسته‌اند و اعتراض کرده‌اند. باز تأکید می‌کنم با این حرف‌ها نمی‌خواهم ضعف‌ها و عافیت‌طلبی‌های برخی مدیران دولتی را نادیده بگیرم که خودش موضوع دیگری است. اکنون بحث من بر سر جابه‌جایی هدف است؛ برای مثال مسئله بودجه ده‌ها شخص و نهاد سیاسی و تبلیغاتی در شرایطی که وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی که خدمات ضروری آموزشی و درمانی و... به مردم ارائه می‌دهند دچار کمبود بودجه هستند، موجب رنجش مردم شده است یا مسئله عوارض خروج از کشور، عارضه‌هایی بزرگ‌تر از خودش تولید می‌کند. اعتراض به گران‌شدن نان که مردم محروم مصرف‌کننده اصلی آن هستند و اعتراض به گران‌شدن کاغذ که به ناشر و نویسنده و روزنامه و روزنامه‌خوان فشار وارد می‌کند موجه است، اما صرف‌نظر از نرخ عوارض در دیگر کشورها، سه‌برابرشدن ۷۵ هزارتومان عوارض خروج (که بار سوم ۳۳۰ و بار چهارم به‌بعد۴۴۰ هزار تومان می‌شود) برای کسانی که بلیت رفت‌وبرگشتشان از سه میلیون تومان به بالاست و برای یک سفر یک‌هفته‌ای از ۱۰ و ۲۰میلیون تومان به بالا و گاه تا ده‌هامیلیون هزینه می‌کنند، به معضلی بزرگ تبدیل می‌شود. نگارنده که بیش از ۱۲سال است ممنوع‌الخروج است و برخلاف میلیون‌ها نفر از شهروندان امکان سفر ندارد و اگر کل عوارض هم برچیده شود خشنود خواهد شد، اما کسی نمی‌گوید چرا سیستم به این وضع افتاده که به عوارض خروج که جمع آن در کل بودجه رقم معتنابهی نیست چنگ می‌زند یا به افزایش قیمت بنزین که دودهه پیش تصویب شده که به چهار هزارتومان برسد و دولت‌ها مکلف به اجرای آنند و دولت قبلی به صورت انفجاری این افزایش را انجام داد، ولی دولت روحانی با احتیاط و تأخیر؟ یک مثال می‌زنم، به‌ویژه این روزها که بخش قابل‌توجهی از جامعه وضع خوبی ندارند. وقتی سرپرست خانواده در برابر هجوم هزینه‌ها قرار می‌گیرد و درآمدش کفایت نمی‌کند، چه می‌کند؟ وام و فروش ماشین و حتی خانه و اثاث و آنچه تصورش را نمی‌کرد، در برنامه‌اش می‌گذارد. در این شرایط دولت برای کسری هزینه‌ها چه کند؟ البته این دو الگو و سبک و باور درباره اداره کشور هست که باید یکی را انتخاب کرد، ازاین‌رو لازم است مورد بحث دقیق علمی و کارشناسی قرار گیرد. یکی نگاه به بیرون دارد، یکی نگاه به درون. یکی سودای شوکت منطقه‌ای و جهانی را دارد و دیگری سودای قدرت اقتصادی و فرهنگی‌شدن را. رویکرد دوم بر آن است که شوکت منطقه‌ای و جهانی بدون استحکام داخلی و اقتصاد نیرومند، سرنوشتی معلوم خواهد داشت. گرچه ممکن است گفته شود روحانی با این شیوه ارائه بودجه درواقع می‌خواست نوعی افشاگری و شفاف‌سازی درباره دریافت‌کنندگان بودجه‌ها و مصرف‌کنندگان پول مردم داشته باشد و او آگاهانه در پی همین اعتراضات بوده است، اما اولا باید درباره این ردیف‌های بودجه؛ چه در گذشته و چه اکنون، حساب‌کشی شود و دوم اینکه او باید نشان دهد که موضع‌گیری‌ها و رفتارهای بخشی از جریان‌ها حتی با راهبرد نگاه به بیرون و سودای شوکت منطقه‌ای و جهانی نیز در تضاد است. دولت موظف است اعلام کند اگر دنبال اقتصاد مقاومتی هستیم باید بودجه‌های اشخاص و نهادهای خاص و خواص حذف و صرف توسعه شود یا اگر بیم دارد با حذف بودجه آنها اتفاقی رخ دهد، درخواست کند آنها به‌خاطر شرایط فقر کنونی داوطلبانه از دریافت این بودجه انصراف دهند، اما آیا با افتادن جامعه، به‌ویژه رأی‌دهندگان او در دام جابه‌جایی خشم و سوراخ دعا را گم‌کردن و پشت او را خالی‌کردن، او می‌تواند چنین کند؟ اکنون مسئله من این است که همه می‌دانند منشأ ناکامی چیست. اما به روحانی می‌تازند، نه به سایر عوامل. در جامعه‌ای که افراد نگرانند که انگشت اتهام را متوجه عوامل اصلی مشکلات کنند، کسانی را که کم‌خطرتر هستند جایگزین می‌کنند. ازاین‌رو نباید اصولگرایان از این روند ذوق‌زده شوند، زیرا مکانیسم جابه‌جایی خشم یک فرایند بازگشت به جای خود نیز دارد. روحانی اکنون قربانی دو عامل است؛ یکی ضعف‌های مربوط به خود و تیم همکارانش و دومی هم جابه‌جایی یا انتقال. کسانی که می‌دانند منشأ مشکل کجاست، به او می‌تازند یا اینکه می‌گویند او باید اعلام کند که موانع چیست. روحانی البته قبلا به‌صراحت درباره این عوامل سخن گفته است.برخی از احزاب و شخصیت‌های مهم اصلاح‌طلب، چندی پیش نمایندگانی را نزد روحانی فرستادند و گفتند اگر با این روش ادامه دهی، کل اصلاح‌طلبان (و بلکه کشور) باید هزینه بدهند و بالاخره به وی فهماندند که ما نیستیم، ولی حالا عده‌ای می‌گویند چرا او منفعل شده است؟